



آنان که بناست بمیرند، به تو سلام می کنند

برای ما مرگ امری دیگر است؛ آمده از جایی دور، بی نام، ناشناس و اجتناب‌ناپذیر که در همه حال با خواست ما به پایا بودن، سر جنگ دارد و فقط، فکر نکردن به اوست که بیم آن را کنار می‌زند، زیرا مرگ همواره بر تزلزل و شکنندگی زندگی صحه گذاشته است و برای

انسانی که مدام در حال ستایش خویش است و «پرسفون» وار مشغول و مفتون تصویر خویش در آینه است(پرسفون مادر دیونیزوس، ایزد سر خوشی در اساطیر یونان)، محنتی همیشگی است.

ازسوی دیگر، مرگ فرصتی برای تقدس گرایی و جلال بخشی به متوفی و قهرمانیگری اوست، بی توجه به آنچه در طول زندگی به عنوان تنها فرصت حقیقی ما برای تقسیم ارادت، علاقه و شاید در والاترین حالت ممکن، «شناخت» و «معرفت» یک انسان زنده در اختیار مان بوده است و از آن استفاده درستی نکرده ایم، زیرا آدم‌ها در زندگی ما مدام در الالکنگ تکریم یا تکفیر در نوسانند و قضاوت‌های شتابزده و ناقص ما گریبانشان را می گیرد.

پس از مرگ اما جریانی دیگر حاکم است؛ غیبت متوفی، بی دفاع بودنش و همچنین مهر سکوئی که بر لبش خورده است و امکان هر صحبت و نظر و راییی را از او دریغ می‌کند، او را به اسطوره ای بی پدیل مبدل می‌کند که جایگاهش را در نظرها ما به والاترین سطح ممکن می‌رساند. به نظر می‌رسد این نهزارام ممکن برای کنار آمدن با مفهوم غریب فقدان است. تنها چاره برای جبران قطع یک بار تماس با دست و صورت و حواس متوفی و ندیدن او برای اید. کنار آمدن با چنین حالت دهشتناکی، نیازمند وضعیتی جدید است که انسان با ابدیت بخشیدن به متوفی، به این تدبیر دست می‌یابد.

اگر انسان قادر بود با هر مرگ، خاطره هایش از متوفی را نیز به مرگ وادارد، آن آگاه فراق بی معنا بود و غمی وجود نداشت، اما مرگ در همه صورت‌های خود، شکلی از یک «تهاجم» است؛ تهاجم به زیبایی(صورت) و هجوم به جوهر هستی(فعلیت یک جسم)، یورش به بدن به مثابه نماد، زیرا مرگ

پاسخ به یک مغالطه درباره هنرمندان بزرگ

... مشکل ما با صداوسیما هم همین بود، با شجریان مشکل سیاسی دارید؟

ایرادی ندارد. نه «رینا» را پخش کنید و نه دیگر آثارش را. اما به جای شجریان چه به خوردن این مردم می دهید؟ اگر با حذف شجریان به موسیقی مقامی و اصیل و حتی کلاسیک غربی بها می‌دادند، باز یک چیزی. اگر موسیقی خوب پاپ هم پخش می کردند، خدا را صد هزار بار شکر می‌گفتم، اما جای شجریان را خزعبلاتی چون همگنان تتلو گرفتند؛ چیزی که مصداق تام و تمام تهاجم فرهنگی که نه، بلکه عین شبیخون فرهنگی و حتی عین بی فرهنگی بود، با کمکاتی که وهن شعر بود، با اصواتی که وهن صدا بود و سروسادهای گوش خراشی که توهین به موسیقی بود، بله، مادر زانم! ای که مصیبت‌هایمان

بسیار است و مشکلات اقتصادی هم روز به روز دارد کم‌رمان را بیشتر خُم می‌کند، باز هم از شجریان سخن می‌گوییم، زیرا معتقدیم آن‌هایی که به بهانه رسیدگی به مشکلات اساسی مردم، به فرهنگ بی اعتنایی می‌کنند، نه تنها کم‌ر به نابودی فرهنگ می‌بندند، بلکه برای معیشت و حل مشکلات اساسی مردم نیز کوچک‌ترین قدمی بر نمی‌دارند. مگر می‌توان دشمن فرهنگ و زیبایی بود، اما به حال دیگران دل سوزاند؟ کسی که با فرهنگ بیگانه است، درک درستی از ایثار و فداکاری و دیگر دوستی و خدمت به مردم هم ندارد. مادر حقیقت با سخن گفتن از شجریان، از هویت خودمان دفاع می‌کنیم؛ چه گرسنه باشیم، چه سیر!

حدیث روز

بتوسید ا خدا که اگر بگویند، می‌شوند و اگر فکر کنید، می‌داند

حضرت محمد(ص)

۱۹٪ رطوبت هوا
۴۰° ↓
۲۰° ↑

صبح ۴°
ظهر ۱۸°
عصر ۱۸°
شب ۹°

آذان ظهر ۱۱:۱۸

غروب آفتاب ۱۶:۵۸

آذان مغرب ۱۷:۱۶

نیمه شب شرعی ۲۲:۳۶

آذان صبح فردا ۴:۱۴

طلوع آفتاب فردا ۵:۳۸

عکس‌های منتخب جهان در ۷روز اخیر



۱. **استپاناکرت، آذربایجان**

زنی مسلح که در طول گلوله‌باران، مقابل ورودی خانه‌اش، در منطقه مورد مناقشه قره باغ، در نزدیکی شهر استپاناکرت، نشسته است.

عکس از Celestino Arce Lavín منتشر شده در Shutterstock



۲. **سانتیاگو، شیلی**

عکسی از اعتراض‌هایی که به دنبال انتشار یک ویدئو از هل دادن یک جوان توسط یک مأمور پلیس از روی پلی در سانتیاگو منتشر شد.

عکس از Esteban Félix منتشر شده در AP



۳. **جا کارتا، اندونزی**

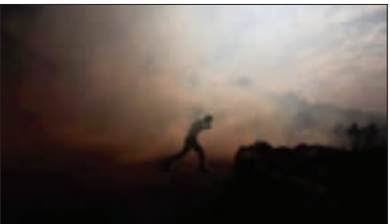
یک معترض، در طول اعتراض‌ها علیه اصلاحات قانون کار دولت اندونزی، پرچم کشورش را مقابل نیروهای پلیس بالا برده است.

عکس از Willy Kurniawan منتشر شده در Reuters



۴. **مینگه‌جوی، آذربایجان**

سربازی که در حوالی موشک‌بی ام-۳۰ اسمرچ عمل نکرده‌ای که نیروهای ارمنی در درگیری برسر منطقه مورد مناقشه قره باغ شلیک کرده‌اند، در نزدیکی نیروگاه برق آبی مینگه‌چویر کار می‌کند. عکس از Reuters



۵. **نابلس، کرانه باختری**

یک فلسطینی در اعتراض‌ها علیه شهرک‌سازی اسرائیلی‌ها در روستای بیت‌جن نابلس، پس از شلیک گاز اشک‌آور توسط سربازان اسرائیلی، در حال پناه گرفتن است.

عکس از Alaa Badameh منتشر شده در EPA



۶. **نن، یمن**

دانش آموزان در اولین روز سال تحصیلی در محوطه مدرسه خود که حدود دو سال پیش در حمله‌ای هوایی تخریب شده است، در کلاس شرکت می‌کنند.

عکس از Ahmad Al-Basha منتشر شده در AFP



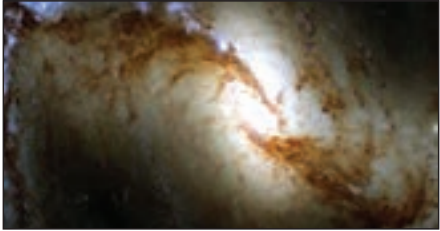
- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهدا، نیش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱۱-۵
- نمابر: ۳۷۲۳۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۴۴۳۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان

فرهنگی «برسد به دست خودم»...



فراخوان نامه‌نگاری «برسد به دست خودم» با ایده پردازی مهرداد فاخر، مدیرعامل یک شرکت خصوصی، منتشر شد. این رویداد مجازی به‌پهانه روز جهانی پست و با محوریت گفت‌وگویی مکتوب با آن که در آینده هستی، برگزار می‌شود. عبدالجبار کاکایی، عبدالجواد موسوی و مهسا ملک‌مرزبان از داوران این مسابقه هستند که ضمن انتخاب آثار ممتاز، برگزیده‌ای از نامه‌های مردمی را برای انتشار در کتابی با همین عنوان گزینش می‌کنند. «برسد به دست خودم»، موضوع هدف‌گذاری و آینده‌نگری جامعه ایرانی را در شرایط بحرانی شیوع ویروس کرونا و مشکلات اقتصادی مدنظر قرار داده است تا در تلفیق با نامه‌هایی خطاب به خود، برآیندی از نگاه مردم و اهدافشان داشته باشد. ایده‌پرداز این مسابقه درباره شکل‌گیری این ایده می‌گوید: «هر ساله به‌مناسبت روز جهانی پست در سراسر دنیا رویدادهای مختلفی برگزار می‌شود که از جمله آن‌ها می‌توان به نمایشگاه‌های بین‌المللی اشاره کرد اما امسال به‌دلیل شیوع ویروس کرونا، برگزاری این رویدادها میسر نبود. به‌همین دلیل به فکر ایده‌ای برای گرامیداشت سنتی‌ترین شکل ارتباطات مردمی افتادم، ضمن اینکه مدتی بود به‌دلیل یک پروژه پژوهشی، اسناد و خاطرات گذشته‌ام را مرور می‌کردم که به مجموعه نامه‌هایی بر خوردم که پدرم در اوایل دهه ۷۰ برای من که در خارج از ایران مشغول تحصیل بودم، می‌نوشت. این نامه‌ها و انتظار دلچسبی که از پس دریافت هر کدام وجود داشت، در دوران کودکی و نوجوانی به‌شدت در من تأثیرگذار بود اما متأسفانه با گسترش اینترنت و دری آن نامه‌های الکترونیکی از یک طرف و رشد رسانه‌های دیجیتال از طرف دیگر، موضوع نامه‌نگاری به فراموشی سپرده شد و امروزه مردم ترجیح می‌دهند به جای انتظار برای انتقال پیام به یکدیگر، از سریع‌ترین شیوه‌ها استفاده کنند». علاقه‌مندان به شرکت در این مسابقه می‌توانند نامه‌هایی خود را بی هیچ محدودیت کاراکتری تا تاریخ سوم آبان ۱۳۹۹ در فضای مجازی با #برسد_به_دست_خودم و منشن @mehrdradfakher منتشر یا به آدرس ایمیل mehrdradfakher@yahoo.com ارسال کنند تا سه‌داور این مسابقه آن‌ها را بررسی کنند. چنانچه از آوردن اسم خود در نامه‌ها معذوری، می‌توانید آن‌ها را با نام مستعار ارسال کنید.

علمی کهکشان‌ی در کوره



در فاصله حدود ۶۰ میلیون سال نوری از زمین، کهکشان مارپیچی میله‌ای بزرگی به نام «ان جی سی ۱۳۶۵» قرار دارد که تلسکوپ فضایی «هابل» موفق به ثبت تصویری نظیری از آن شده است. حلقه‌های به رنگ نارنجی آتشین و آبی کهکشان مذکور که در صورت فلکی فورناکس یا کوره واقع است، به ما نشان می‌دهد که ستاره‌ها در کجا شکل گرفته‌اند و مکان‌های غبار آلود مه‌دود ستاره‌ها در آینده کجا هستند. در لبه بیرونی تصویر، مناطق عظیم ستاره‌زای این کهکشان مارپیچی، مشاهده شدنی است. نواحی به رنگ آبی روشن، وجود صدها ستاره کودک (ستاره تازه متولدشده) را نشان می‌دهد که از ادغام گاز و گردوغبار بازوهای بیرونی کهکشان، تشکیل شده‌اند.

زین‌قنبر

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

- 🔴 پرسش: «سلام». اگر امکان دارد منتهن می‌شم در مورد تفاوت فراق و فراغ راهنمایی بفرمایید. سپاس»
- 🔴 پاسخ: زمانی که استاد محمد رضا لطفی فوت کرد یکی از روزنامه‌های اسم و رسم‌دار با یک اشتباه نگارشی تیرت زد: «شیون تار در فراغ لطفی»! ❌
- 🔴 فراغ: خلاصی و راهی‌ای از کاری و به پایان رساندن آن. آسودگی و آسایش
- 🔴 فراق: جدایی و دوری به‌ویژه جدایی و دوری از معشوق
- ✔️ شیون تار در فراق لطفی

#زین_قنبر_پارسی

پشت‌منگنه

این نوع خوانش‌های ناصواب را که کنار بگذاریم، هم خدامی داندو هم خلق آگاه خدا که این شیوه آموزشی بسیار سخت‌تر از آموزش رودرروست؛ چه در سطح مدارس و چه حتی در سطح دانشگاه، سخت است برای همه، لذا فکر می‌کنم باید طرح‌های نوو متناسب با شرایط موجود، درانداخت تا هم آموزش به‌درستی انجام شود و هم زدگی و سر خوردگی برای دانش آموز پیش نیاید و هم بتوان معلمان چنین نفرساید و هم خانواده‌ها بتوانند برای زندگی خودو درس و مشق بچه‌ها برنامه‌ریزی کنند. این هم شدنی است؛ البته با تدبیر متولیان.

فارسی می‌شود. این راه پایان می‌رسانیم، علوم، ورق می‌خورد. از این که دست می‌کشیم، نوبت جغرافی می‌رسد و... خیلی خسته‌کننده است. زمانی برای بازی نداریم،» اما مسعادت نداشتیم که بشنوم و بینیم حال معلمان محترم را که چه می‌گویند و احوالشان چگونه است با این آموزش‌های از راه دور، اما می‌دانم که این روزها برای آن‌ها هم سخت می‌گذرد. سخت‌تر از روزهای مدرسه؛ هر چند برخی افراد -ندانسته- این «دورکاری سخت» را با «بیکاری و تن آسایی»، اشتباه بگیرند که می‌گیرند و شمارشان هم کم نیست که براساس «ندانسته‌های خود»، دآوری می‌کنند. مهم هم نیست.

غلامرضا بنی‌اسدی
بچه‌ام از صبح که بیدار می‌شود تا شب که باید بخوابد، مدام درگیر این مدرسه مجازی است. همه‌اش می‌خواند و می‌نویسد و می‌فرستد... این مطلب را -با ادبیات متفاوت- از زبان افراد گوناگون شنیده‌ام. خود دانش‌آموزان هم می‌گویند: «وقتی مدرسه می‌فتم، فقط یک شیفت درگیر بودیم، اما حالا بیش از دو شیفت باید درگیر درس و مدرسه‌ای باشیم که مسلط و مطلق؛ قدرتی که همه چیزها و تکالیف پرشمار، ریاضی را جواب می‌دهیم، نوبت

تاریخ‌نگار

تایید حکم اعدام طیب حاج‌رضایی

شعبان جعفری در سال‌های پس از کودتا همراه نبود، ابتدا ۱۶ خرداد۱۳۴۲ به همراه ۴۰۰ نفر دیگر دستگیر و زندگی بعد به‌عنوان سرکرده این قیام به مردم معرفی شدند. البته

این ماجرا در همین مرحله به پایان نرسید و رژیم پهلوی برای اینکه خود را در مواجهه با مخالفان در برابر مردم قانون‌مدار نشان دهد، دادگاهی را که به دادگاه ویژه شماره یک لشکر گارد معروف شد، به ریاست سرتیپ حسین زمانی و دادستانی سرهنگ استاد، احمد دولوقاچا و با وکالت تسخیری تیمسار شایانفر برای متهمان این پرونده برگزار کرد. دادگاهی که پس از ۱۳ جلسه، حکم خود را برای طیب حاج‌رضایی

